

آزادی مطبوعات و طبقه کارگر

لئون تروتسکی

اوت سال ۱۹۳۸

ترجمه: ژاله سهند

متن زیر، سرمقاله اولین شماره مجله مارکسیستی مکزیکی Clave است، که در اکتبر ۱۹۳۸ منتشر گردید. نسخه اصلی نوشته شده توسط تروتسکی، حدوداً در سال ۱۹۷۷ در آرشیو تروتسکی در دانشگاه هاروارد یافته شده است.

[مقاله] از ترجمه های فرانسوی و یونانی، برای آرشیو اینترنت تروتسکی در سال ۱۹۹۸ ترجمه شده است. ترجمه به طور مستقیم از زبان اسپانیایی را می توان در صفحه ۴۱۷ نوشته های ۱۹۳۷-۱۹۳۸ لئون تروتسکی، پیدا نمود.

در مکزیک کمپینی بر علیه مطبوعات ارتجاعی در حال توسعه است. کمپین توسط رهبران (کنفدراسیون کارگران مکزیکی) و یا دقیق تر بگویم، توسط آقای Lombardo Toledano شخصاً هدایت شده است. هدف "محدود کردن" مطبوعات ارتجاعی ست، با برقراری سانسور بر آنها و یا با ممنوع نمودن به طور کامل آنها. اتحادیه های کارگری وارد مسیر جنگ شده اند. دموکرات های قطعا علاج ناپذیر، تماماً فاسد شده توسط تجارب خود با مسکو کاملاً استالینستی، به رهبری "دوستان GPU" خود، از این کمپین که تنها می توان آنرا به مثابه یک خودکشی قلمداد نمود، استقبال نموده اند. در واقع دشوار نیست که این را دید، حتی اگر این مبارزه به پیروزی و بدست آوردن نتایج ملموسی به میل Lombardo Toledano منجر شود، عواقب نهایی آن خطری برای طبقه کارگر در برخواهد داشت.

تنوری، و همچنین تجربه تاریخی، شهادت می دهند که ایجاد کردن هر گونه محدودیتی برای دموکراسی در جامعه بورژوایی، در نهایت بر علیه پرولتاریا هدایت میشود، همانگونه که مالیات ها در نهایت بر دوش پرولتاریا قرار می گیرند. دموکراسی بورژوازی توسط پرولتاریا فقط تا جایی قابل استفاده است که راه را برای توسعه مبارزه طبقاتی باز

نماید. در نتیجه، هر "رهبر" کارگری که دولت بورژوازی را با ابزار های ویژه ای برای کنترل افکار عمومی به طور اعم، و مطبوعات را به طور اخص مسلح می نماید، یک خائن است. بدین ترتیب در تجزیه و تحلیل نهایی، برجسته شدن مبارزه طبقاتی همه ا فشار بورژوازی را مجبور به وضع معاهده ای می نماید: پذیرش قوانین خاص، و هر نوع اقدامات محدود کننده، و اقدامات سانسور کننده "دموکراتیک" بر ضد طبقه کارگر. کسانی که هنوز این موضوع را درک ننموده اند، باید صفوف طبقه کارگر را ترک نمایند.

"اما گاهی اوقات" - برخی از "دوستان" اتحاد جماهیر شوروی اعتراض میکنند- "دیکتاتوری پرولتاریا مجبور میشود متوسل به اقداماتی استثنائی، به خصوص در مقابله با مطبوعات ارتجاعی شود".

به این ما پاسخ میگوییم: اول، این اعتراض دولت کارگری را مترادف با دولت بورژوائی میکند. اگرچه مکزی یک کشور نیمه مستعمره است، در عین حال یک دولت بورژوائی است، و قطعاً دولتی کارگری نیست. اما حتی از نقطه نظر منافع دیکتاتوری پرولتاریا، ممنوعیت یا سانسور مطبوعات بورژوازی ابدأ نه یک موضوع "برنامه" یا یک "پرنسیپ"، و نه یک وضعیت ایده آل است.

پرولتاریا پس از پیروزی، ممکن است بطور اجباری در یک دوره زمانی برای مقابله با بورژوازی اقدامات خاصی را بکار ببندد، اگر بورژوازی علناً به عملیات براندازی بر علیه دولت کارگری اقدام نماید. در این حالت، محدودیت آزادی مطبوعات دست در دست با همه اقدامات دیگر آماده سازی برای جنگ داخلی اعمال خواهد شد. هنگامی که مجبور به استفاده از توپخانه و عملیات هوایی در برابر دشمن شویم ما به وضوح این دشمن را با مراکز اطلاعاتی و تبلیغاتی اش در داخل اردوگاه پرولتاریا مسلح تحمل نخواهیم کرد. با این حال، حتی در این مورد، اگر اقدامات استثنائی طولانی شوند، طولانی به اندازه ای کافی که منجر به یک وضعیت دائمی شوند، سپس آنها میتوانند حامل خطری برای از دست دادن کنترل گشته، و به انحصار سیاسی بوروکراسی کارگری در آمده، و مبدل به منبعی در جهت انحطاط اش گردند.

ما در برابر مان نمونه زنده چنین نیروی محرکه ای را، با سرکوب نفرت آور آزادی بیان و مطبوعات در اتحاد جماهیر شوروی را داریم. و این هیچگونه ربطی به منافع دیکتاتوری پرولتاریا ندارد. بر عکس، در برابر حملات کارگران و دهقانان مخالف، این کمک به محافظت منافع طبقه جدید در قدرت میکند. این بوروکراسی و افرانه بناپارتیستی مسکو است

که در حال حاضر توسط آقایان Lombardo و شرکاء که منافع شخصی خود را با منافع سوسیالیسم اشتباه گرفته اند، به نمایش گذاشته شده است.

وظایف واقعی دولت کارگری نه در کنترل نمودن افکار عمومی، بلکه در آزاد نمودن آنها از یوغ سرمایه داری ست. این تنها با قرار دادن ابزار تولید اطلاعاتی است - در دست تمامیت جامعه- عملی خواهد گردید. هنگامی که این گام ضروری به سوی سوسیالیسم برداشته شود، همه جریانات نظری که بر ضد دیکتاتوری پرولتاریا اسلحه بدست نگرفته اند، باید قادر باشند آزادانه افکار خود را بیان نمایند. این وظیفه دولت کارگری است که برای همه با توجه به اهمیت تعدادشان، ابزار ضروری فنی برای کارشان، چاپ نشریه، کاغذ، و وسیله حمل و نقل فراهم نماید. یکی از علل اصلی انحطاط دستگاه دولتی، انحصار گرایی مطبوعات توسط بوروکراسی استالینیستی است که ریسک می‌رود همه دستاوردهای انقلاب اکتبر را به توده ای از خرابه مبدل نماید.

اگر ما در پی یافتن نمونه‌هایی از نفوذ شنیع کمینترن در جنبش کارگری کشورهای مختلف می‌بودیم، کمپین واقعی به رهبری Lombardo Toledano یکی از بدترین آنها خواهد بود. اساساً Toledano و همراهان عقیدتی اش سعی دارند که متد ها و ابزارهایی را به یک نظام دموکراتیک بورژوازی معرفی نمایند، که در شرایط خاصی، تحت دیکتاتوری پرولتاریا ممکن است که اجتناب ناپذیر باشند. علاوه بر این، آنها در حقیقت این روش را نه از دیکتاتوری پرولتاریا، بلکه از غاصبان بناپارتیستی به وام گرفته اند. به عبارت دیگر، آنها دموکراسی بورژوازی در حال حاضر بیمار را با ویروس بوروکراسی منحنی آلوده کرده اند.

دموکراسی بی خون و رمق مکزیکی با خطری روزانه، ثابت، و گشوده، از دو جهت مواجه است: اول با امپریالیسم خارجی و، دوم، با عوامل ارتجاع در داخل کشور، که کنترل انتشارات با حجم بالا را در دست دارند. اما فقط آنهایی که نابینا یا ساده پندارند می‌توانند فکر کنند که با توقیف مطبوعات ارتجاعی است که کارگران و دهقانان میتوانند از ایده‌های ارتجاعی رها گردند. در واقع این فقط، وسیعترین آزادی بیان است، که می‌تواند شرایطی مساعد برای پیشرفت جنبش انقلابی در طبقه کارگر را بوجود آورد.

به راه اندازی یک نبرد بی امان بر علیه مطبوعات ارتجاعی ضروری است. اما کارگران نمی‌توانند کاری را که باید خودشان از طریق سازمان‌های خود و مطبوعات خود به تنهایی به سرانجام برسانند، در کف دست دولت سرکوب‌گر

بورژوازی رها نمایند. امروز ممکن است به نظر رسد که دولت روش خوبی نسبت به سازمان های کارگری داشته باشد. فردا ناگزیراً ممکن است سقوط نماید، و به دست ارتجاعی ترین عناصر بورژوازی بیافتد. در این صورت قوانین موجود سرکوب گرانه بر علیه کارگران مورد استفاده قرار خواهند گرفت. تنها ماجراجویانی که به هیچ چیزی دیگری بجز نیازهای لحظه ای اشان فکر نمی کنند کوتاهی میکنند که از خود در برابر چنین خطری محافظت نمایند.

کارآمدترین راه مبارزه با مطبوعات بورژوازی، این است که مطبوعات کارگری توسعه بیابند. البته، نشریه های زردی به مانند El Popular، قادر به انجام چنین وظیفه ای نیستند. نشریه هایی اینچنین در میان مطبوعات کارگری، مطبوعات انقلابی، و یا حتی مطبوعات بورژوازی که از شهرت خوبی برخوردار هستند، جایی ندارند. El Popular، در خدمت جاه طلبی های شخصی آقای Toledano، است که خود در واقع خدمتگزار بوروکراسی استالینیستی است. روش اش: دروغ، افترا، شکار ساحره، و این قبیل چیزها روشهای Toledano هستند. نشریه او نه برنامه ای دارد و نه ایده ای. بدیهی است که چنین کارتی نه می تواند یک ضربه طنین انداز تاری در طبقه کارگر بشود، و نه می تواند آنها را از مطبوعات بورژوازی باز بستاند.

بنابراین ما به این نتیجه اجتناب ناپذیر میرسیم که مبارزه مابین مطبوعات بورژوازی، با اخراج رهبران منحط از سازمان های کارگری و به طور اخص با آزادی مطبوعات کارگری تحت قیمومیت Toledano و دیگر حرفه گران بورژوازی آغاز خواهد گردید. پرولتاریا مکزیکی، نیاز به مطبوعاتی صادقانه دارد که بتواند نیاز هایش را بیان نماید، از منافعش دفاع نماید، افق دیدش را گسترش دهد و راه را برای انقلاب سوسیالیستی در مکزیکی هموار نماید. این همان چیزی است که CLAVE در نظر دارد که انجام دهد. بنابراین، ما با اعلام یک جنگ بی امان بر علیه مقاصد بناپارتنیستی Toledano آغاز میکنیم. در این تلاش، ما امید به حمایت همه کارگران پیشرفته، و همچنین مارکسیست ها و آزادی خواهان موثق داریم.